

تقلبات سیستماتیک انتخابات

علیرغم اجازه ای، انجمن نظارت مرکزی تهران به نمایندگی ما برای بررسی گزارشهای ابطال شده، فرماندار تهران مانع از انجام این گزارش توسط نمایندگان ما گردید. در صفحه ۷



سال اول - شماره ۶۶ - شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۹ - تکشماه ۳۰ اردیبهشت

- نامه مدیریت سابق دانشگاه تهران
- گزارش سمینار انتقال فرهنگ
- سالگرد شهادت مجاهد شهید
- حسین کرمانشاهی اصل را گرامی بدریم
- نگاهی به اخبار ورورید ادها
- در شهرستان ها چه می گذرد . . . ؟

انتخابات

شکست یا پیروزی؟

براستی هم وقتی دروغ و تقلب نهایتاً نمی تواند توده ها را بغربید ، چه باک که نیروهای بازم این حقیقت را در صحنه اجتماعی و سیاسی ما به آزمایش بگذارند . چه باک که با دست خود طومار اعتماد رو به تزلزل توده ها را به خودشان ، درهم پیچند ! چه باک !

از دیرزمان می دانستیم که مبارزه کومی مایک ماروزی درازمدت و طولانی است . مبارزه ای مکتبی ، آگاهی بخش ، رهائی بخش و ضد امپریالیستی . و اکنون دیگر به نظری می رسد که این خوش خیالی که در فردای ۲۲ بهمن همه چیز پایان یافته و انقلاب به تمام و کمال به پیروزی رسیده است در بسیاری نیروها جای خود را به یک واقع گرایی سر سخت و انکارناپذیر داده باشد . آری ، تا امحا سلطه امپریالیستی و ایادی سازشکار و ارتجاعی آن منزل های بسیاری مانده است . مگر اینکه بخواهیم به ضرب دروغ و ربا و سالوس ، از در انکار همه واقفیت درآمده و به بدگمان به مجیزگوئی و قلب حقایق ملموس اجتماعی و سیاسی کومی بپردازیم .

خیر ، خواهان و برادران قانونمدن و سن الهی ، لای تغییر و خدشه ناپذیرند . و ازین رو باز هم باید تلاش نمود تا در یک مبارزه بی امان و سر سخت و اکنون روشنگری و بیخ توده های انقلابی مقدم ترین موضوع آن است . . . سر احام انقلاب را به پیروزی نهائی رساند . و ایحاست که می توان گفت آری ، ضمن احتیاطات (چه مرحله اول و چه مرحله دوم) به پیروزیهای بسیار بزرگی دست یافتیم . البته اگر معنی پیروزی بدست آوردن "گری" باشد خیر . اما اگر پیروزی را امروز در راستای روشی و روشنگری و صوف و صبه سدهای مختلف بسیم ، آری . چرا که نواستفادیم بسیاری مشت ها را باز نموده و پرده دغل و ربا و تهدید و تهور فکری و عقیدتی را کنار بزمیم . زیرا چه آنهایی که در انتخابات به نفع کاندیداهای ترقی خواه و انقلابی شرکت کردند و چه ملیو پها تیی که در انتخابات (که در مرحله اول ماهیت آنها بر ملا نمودیم) شرکت ننموده و یا اساساً آن شایسته ی شرکت ندیده بودند همگی گواهان آشکار حکومت احضارطلبی و آغاز پایان واپس گرایی هستند . اکنون بگذار تا عده ای حش بگیرند که توانستند با تقلب های صدها هزاره از ورود کاندیداهای انقلابی به مجلس جلوگیری کنند . چه باک !

براستی هم وقتی دروغ و تقلب نهایتاً نمی تواند توده ها را بغربید . چه باک که نیروهای بازم این حقیقت را در صحنه اجتماعی و سیاسی ما به آزمایش بگذارند . چه باک که با دست خود طومار اعتماد رو به تزلزل توده ها را به خودشان ، درهم پیچند ! چه باک که ترس و وحشت عمیق خود را از ورود انقلابیون به مجلس با تبلیغات و تقلبات کذائی مظاهر کنند !

اینجاست که به واپس گرایان می گوئیم اگر پیروزی نفس تصاحب گری هاست ، بفرمائید : مال شما ! اما بدانید که چرخهای تاریخ به عقب بازمی گردند . بدانید که به قول قرآن گفتن آنچه را بدان مومن و عمل کننده نیستند خشم خدا و همچنین مردم را باعث خواهد شد . و بدانید که . . .

و به همین دلیل به انقلابیون صدیق و همه ی مردم شریف و آگاهی که از ایان حمایت نمودند نیز بایستی تبریک گفت چرا که به درجه ای که توانستند ضمن همین بقیه در صفحه ۲

گزارشی از:

فعالیت ۱۵ ماهه امداد پزشکی مجاهدین خلق

حاکمیت دوست ساله - استعمارگران انگلیسی و امریکا - سی و حکومت پنجاه و چند ساله رژیم مزدور بپهلوی بر منهن جوسار ما آثار و عوارض بسیار زیادی به جای گذاشته است و همان طور که بارها و بارها سازمان اشاره کرده است - رابطهای اسارت باری که بخصوص در عرض دوسه دهه ی اخیر امریکای جنایتکار با ما برقرار کرده است عامل و باعث هزاران هزار مشکل و بدبختی برای مردم منهن ما بخصوص کارگران ، کشاورزان و سایر رزمندگان شهری شده است . مشکلات و معایبی که نهادها "با اتحاد سوبه های انقلابی و وسیع توده ی مردم از یک طرف و مبارزه ی همه جانبه ی ضد امپریالیستی که صحر مقطعی ، رفرمیسی و صوری نخواهد بود . کما این که در ۱۵ ماهه ی گذشته در ۳۰ درصد

کنفرانس مجدد به اصطلاح اسلامی پاکستان

ادامه ی توطئه ی امپریالیسم در منطقه

شرکت در کنفرانس پاکستان ، انحراف از مسیر مبارزه ی ضد امپریالیستی و قرار گرفتن در دام امریکاست . همه به یاد داریم که وقتی کنفرانس به اصطلاح اسلامی ضد امپریالیست و انقلابی در بهمن ماه ۱۳۵۸ ، نماینده ی پاکستان شرکت کرد ، موج عمده آن برخاست اما شورای وزارت امور خارجه ی ایران در مخالفتی از سوی تمام نیروهای

کارکنان "هما" خواستار تشکیل دادگاه علی همد

تاسیه روی شود ، هر که در او غش باشد

به دنبال جاب مطلبی در باره ی اخراج عناصر انقلابی از هوایمائی ملی ایران "هما" از هوایمائی عمومی "هما" طی ادعائهای که در روزنامه ی جمهوری اسلامی (۲/۹) به چاپ رسیده ، به این مطلب جواب داده است . ما ضمن چاپ ادعائهای آنها آییناً جوابهای را هم که از طرف آقایان سیدی و صائی برای ما ارسال شده عیناً جاب می کنیم . روابط عمومی هما با استاد به فرم های اسجدانی زمان شاه ، حسن و امود کرده که توانا سر (سیدی) نظر مساعدی در بقیه در صفحه ۴

در حاشیه ی انتخابات

در حورده ی شماره ی ۹۷۲ - ۹۷۴ حمایان مولوی یک باسدار مسلح در کنار صدوی اسناده بود . یکی از افراد برای مراجعش رای می نوشت به محض ورود خبرنگار مجاهد بقیه در صفحه ۲

نامه ی عده های از خانواده های شهید ای ترکمن

حوشی که به وسیله ی سگرهای باسداران در محاصره بود . در خانه ها مانده اند . لکن در کمال نایب سربستان و آن - آوران ما به شرح زیر : ۱ - عی لبحالی ۲۲ ساله کارمند بهداری (سروخوشتند) سربست ، آن خورشید ۲ - ارحک اسما ۵۱ ساله کارمند بانک ملی سربست ، آن خورشید ۳ - عددی فریحتک ۶۲ ساله ، کابک . سربست ، آن خورشید ۴ - خان محمد جعفرای ۶۵ ساله کابک

مردم گرائی توحیدی و

مردم گرائی مبتذل

عملگر مردم گرای توحیدی در قلمرو سیاسی اجتماعی

الف - بازتاب مردم گرائی توحیدی در شکل سیاسی اداره ی جامعه (اصل شورا)

در بحث های گذشته ، به عفضل محتوای مردم گرایانه ی اندئولوژی اسلام را شرح نمودیم . این محتوا لزوماً بایستی در یک شکل سیاسی متناسب تجلی پیدا کند ، این

شکل سیاسی که بنا بر تکیه بر نقش عنصر مردم و حاکمیت آنهاست ، همانا "شورا" می باشد . به عبارت دیگر شورا به معنای تنها فرم سیاسی سلسله برای تحقق اهداف آرمانی ، در مقابل محتوای مردم گرای فلسفه ی توحیدی سازگار بوده و از آن سرچشمه می گردد . از مقدم نظر اس اندئولوژی ، مردم جنگلی خلصه و حاشتن جدا در زمین اند و هیچکس نمی تواند حاکمیت و حق عین سربست

با توجه به رابطه ی ارگاسکی که میان هر نظرگاه اندئولوژیک و عمل اجتماعی وجود دارد ، روس می بود که دیدگاه مردم گرایانه ی توحیدی در حیطه ی موضع گیری های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی دارای عملکردهای خاص خود می باشد . لذا اگر مردم گرائی توحیدی متعقدیم بایستی در عمل سیاسی و حیطه و تصمیمات تاکتیکی و استراتژیکی ما ، خود را نشان دهد . در غیر اینصورت دم زدن از "مردم" و "توده" یک شعار توحالی بی محتواست . بی بسیم این اعتقاد در قلمروهای فوق چه کارکرد و وقتی دارد .

گزارشی از فعالیت...

گدشته مشکلاتی از قبیل گرانی، مسکن، بیکاری، کمبود ارزاق عمومی، فساد، اعتیاد و امثالهم به دلیل کوتاه نکردن دست سرمایه‌داری وابسته و کام بر نداشتن در جهت ایجاد یک اقتصاد سالم و غیروابسته، نه تنها حل نشده بلکه در بسیاری از موارد پیچیده‌تر و مشکل‌تر هم شده است البته ما در اینجا بر آن نیستیم که به بررسی ریشه‌های این مسائل و روش‌های حل آن بپردازیم، اگرچه خود این ساله در خور بحث و گفتگو است که تلاش خواهیم کرد در جای خود به آن بپردازیم. به هر حال بعد از سقوط رژیم شاه برحمتگان میهن ما انتظار داشتند که مبرترین و عاجل‌ترین مسائل زندگی آن‌ها با قوربت بیشتری حل شود. مسائلی از قبیل نان و گوشت و دکتر و دوا و... و خود نیز حاضر بودند در این راه‌هنگامه باری و همکاری با مسئولین امر بنمایند و این یک گزافه‌گویی نیست. کارنامه‌ی انقلابی توده‌های ما این ساله را نشان می‌دهد. خودیاری و فداکاری مردم در زمان حکومت دکتر صدق و یا در جریان مبارزات اخیر مردمان گواه این حقیقت است.

بهداشت یکی از اساسی ترین مشکلات مردم

همانطور که می‌دانیم کشور ما به لحاظ امکانات پزشکی و دارویی به شدت در مضیقه است و به دلیل حاکمیت سیستم‌های طبقاتی، امکانات محدودی هم که در این زمینه بوده است فقط صرف طبقات مرفه جامعه شده و در نتیجه رزمت‌کنان میهن ما همواره از عدم تأمین بهداشت و درمان رنج بردماند. بالا بودن درصد مرگ و میر در روستاها و مناطق فقیرترین شهرها ناشی از بیماری‌های سهل‌العلاج بهترین گواه بر این مدعاست. به هر حال در رابطه با این بنیادین و اساسی‌ترین مسائل زندگی ما باید گفت که در این ساله ما در این زمینه کارهای زیادی کرده‌ایم. مردم در زمان حکومت دکتر صدق و یا در جریان مبارزات اخیر مردمان گواه این حقیقت است.

سازمان ما پس از انقلاب در عین حال که حل قاطع این مسائل را در قطع کامل دست ابادی امپریالیسم از میهنمان می‌دید در عین حال در جهت نزدیکی بیشتر به بوده‌ی مردم و آموزش انقلابی آنها و نیز در جهت حل مسائل روزمره‌شان به کمک آنها شناخت البته‌مانظور که در این گزارش هم خواهیم دید سهم ناچیز ما در این مورد در برنو امکاناتی بوده است که خود مردم در اختیار ما قرار داده‌اند.

تأمین ترتیب در ۱۵ ماه گذشته سازمان بختی از نیروهای خود را در زمینه‌های مختلفی از جمله خانه‌سازی، کال سال‌سازی در روستاها، امداد به سبل‌زدگان، زلزله‌زدگان و امداد پزشکی سیخ کرده است.

شروع فعالیت امداد پزشکی

این نهاد از آغاز کار خود در جنب ستاد سازمان در بازرسی‌سازمانهای سابق در حد کمک‌های اولیه، تزریقات و یانسما و با یک داروخانه‌ی محدود شروع به کار کرد. از اولین کارهای جواهران و برادران ما تحویل گرفتن کمک‌های درمانی از مردم، تفکیک داروها و امکانات پزشکی و آماده نمودن تیم‌های سیار پزشکی جهت ارسال به جنوب شهر بود. تیم‌های سیار با امکانات اندکشان مورد استقبال شدید قرار گرفتند. این حاکی از نیاز شدیدی بود که یک یک را عهده‌سنان احساس می‌کردند. ولی به خصوص در



امداد پزشکی مجاهدین: در خدمت محرومان و زخمی‌گان

این مورد ما چیزی جز آنچه را که خود مردم در اختیار ما می‌گذاشتند نداشتیم، که نشانگر کنیم و هنوز هم نداریم ولی با توجه به شدت نیازها ما بر کوشش‌هایمان جهت جمع‌آوری امکانات و بالا بردن کمیت و کیفیت خدمات قابل ارائه افزودیم و در همین مسیر به دنبال مکان‌هایی بودیم تا ما مستقر شدن در آن کیفیت کارمان را بالا ببریم.

با انتقال ستاد سازمان به بنیاد پهلوی سابق کار ما هم وسعت بیشتری یافت ما در داخل ساختمان نواسستمیک مرکز درمانی ساده شامل اتاق پزشک، تزریقات و یانسما، داروخانه و ۲ اتاق برای بستری شدن بیمارانی تدارک بسیم و مدتی بعد هم یک دندانپزشکی مجهز در آنجا دایر شد. تیم‌های سیار ما با کیفیت جدید و به شکل گسترده‌تری کار خود را ادامه

در حاشیه انتخابات

بازدار بزبور به فردی که در حال برگردن کارهای الکترال مراجعین بوده است می‌گوید نویسنده اینها بیرون.

حوزه ۹۸۶- سه نفر از سران مسجد که هیچ مسئولیتی در رابطه با انتخابات نداشتند ناظر بر تمام جریانات بودند، که به محض ورود یک خبرنگار، شخصی آنها را با نام‌های حاجی حسد و حاجی اخوان صدا کرد و گفت بنائید این طرف، وی می‌خواست طوری وانمود کند که قضایای در سن نبوده و آنها انقادی در این حوزه اجتماع کرده‌اند. در این حوزه سانسدهی فرمانداری حضور بدانت، خصی به نام احدآقا مسئول بوسن رای برای مردم بود، صننا بغدادی کارت الکترال برنده در دست یکی از ناظرین دیده می‌شد که به مردم می‌داد.

حوزه ۱۰۰۱-۱۰۰۲- حسینه کرلانی‌ها در حاشا ۱۵ خرداد- در این حوزه اکثر مراجعین عرب زبان بودند که احتمالاً کرلانی و غرامی بودند. نسبت ائتلاف بزرگ روی میز بود و روی یکی از بوسن‌های عسکر دار وزارت کشیده بودند.

حوزه ۹۸۶- در مقابل درب ورودی حوزه پاسداری از ورود یک خبرنگار به داخل حوزه جلوگیری کرده می‌گوند، چند اطلاعاتی صبر کنند در همن انا یک نفر به طور نا- شناس به داخل حوزه می‌رود و مشاهده می‌کند که آنها در حال‌کندن بوسن‌های ائتلاف بزرگ هستند.

در میدان آزادی عکس- های سعود رجوی را از روی بوسن‌های اسحاقانی وزارت کشور که بر روی دو اوبوس سارزای‌گیری نصب کرده‌بود کنده بودند.

در حوزه ۹۸۲، کمسیدی هردی دروازه غار و حوزه‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ مسجد المهدی در دولت آباد عکس‌های سعود رجوی از بوسن‌های اسحاقانی

هر آن بدر می‌فلسند، بادست سوارش به سرمان نکشد و از مهر محروم شده ی پدر سرباز گردیده، با اند نو را هیزه و همزاد سانسد ائتلاف، حتم انتظار اقدام و قضایا هسم. حیوانده‌های سپیدی ترکمنی ۱- باوای بی‌سی زخمیت کن، همسر شهید غندی فرسخت. ۲- باو حوچه بی‌بی معادل، همسر شهید ارخیک ایتاد. ۳- حوسنی بی‌بی همسر شهید خان محمد جعفریای ۴- نورناج آخوندی، همسر شهید محمد بلحاجی ۵- آت همسر شهید ناج محمد رحمتکن، در کومستان سکوت دارند.

نامه‌ی عدای..

سرپرست، نان خور سه عصر ۵- تاج محمد رحمتکن ۲۸ ساله، کارمند آمورث و پرورث سرپرست، نان خور سه عصر که در ساعت ۹ صبح روز ۵۸/۱۱/۲۳ در منزل تنی بلحاجی شهید همسایه در صوف جای و صحابه متعول بودند ناگهان عده‌ای مسلح نقادار وارد خانه شده و بی جون و جراتی را روسی‌وسه دایم بی‌میزد ۶۵ ساله انداخته و خارج می‌شوند و سپس همین مهاجمین پس از انفجار دوباره داخل خانه گردیده و احساد مرده و باسبه جان آبان را به رگبار می‌سند و حتی به این کار هم اکتفا نکرده، به طور

انتخابات شکست یا پیروزی؟

تجارب توده‌های مردم را آگاه و بیدار کنند، فیروز بودند. به درجه‌ای که نتوانستند بقیهند و بقیهند فیروز بودند... چرا که در آدمی "فهم" مقدمه‌ی هر خیزش و حرکتی است. بنابراین اگر قبل از هر چیز "فهم" را که میبای آذمیست و انقلاب است معیار بگیریم، فیروززند واقعی آن کسی است که توانسته است سنگ‌های ناگشوده‌ی فهم شخصی و اجتماعی را بشکاید. و برآستی که درگیر شدن در یک مبارزه‌ی تمام عیار عادلانه و حق‌طلبانه چه شیرین و شگوهمند است. فرازهای دیگر راه هم هنوز و هنوز در پیش است و بی‌تردید العاقبه للمتمیقین. آری جواهران و برادران، مبارزه همین است و خستگی هم نمی‌شناسد.

نامه‌ی پاسداران مستعفی شیروان

عناصری می‌خواستند که اعمال - بنسیم که راهبان را ادامه نفوذ کنند بدون اینکه مسئولیتی در سپاه داشته باشند ولی مابه حکم وظیفه‌ای که بر عهده داشتیم و آن پاسداری از خون هفتاد هزار شهید است از این عمل جلوگیری می‌کردیم تا اینکه کم‌کم مخالفت‌ها با سپاه اوج گرفت و هرکاری که سپاه در جهت صانع این ملت رنجیده انجام می‌داد جلوگیری می‌شد و با اینکه هر حرف حقی زده می‌شد یا اصطلاحاتی که امروزه معمول است:

صدانقلاب - کمونیست - النفاطی - ضدروحانی و... به ما هم می‌زدند و با این جو تبلیغاتی مسموم بود که بواسطه عده‌ای از برادران سپاه را تحریک نموده و بر علیه سواری فرماندهی می‌بریسانکه اسفند از خط امام خارجند و منحرف عملاً سپاه را فلج نمودند و ما احساس کردیم که دیگر کاری از ما ساخته نیست در این رابطه بود که با سپاه آمدمند و بعد از تحقیقاتی که خودتان از مردم محل کرده بودید مسئولیت تشکیل سپاه را به عهده‌ی سواری فرماندهی که مورد نائند مردم و افرادی که از تهران آمده بودند گذاشتند و ما چون این امر را رطیفی سرخی و مکتبی خود میندازیم سپاه را با عضوگیری از برادران دیگر تشکیل داده و حرکت‌مان را در خط اصل انقلاب اسلامی‌مان تا آنجا که برای‌مان مقدور بود شروع کردیم چون ما به سپاه از این دید نگاه می‌کردیم که یک ارگان مردمی است و باید در جهت صانع مستضعفین قدم بردارد ولی بعد از گذشت چند ماه کم‌کم

رزم‌های دست‌نشاندهی امیرالیرم و جناح‌های وابسته به آنان، به منبها همچوگونه صلاحیتی در برخورد با مسئله افغانستان ندارند بلکه هرگونه اندازی از ناحیه آنان بدون یک بوظنی طرح برزی سدهی امیرالیرم می‌باشد. چگونه می‌باید باور داشت رزم‌هایی که خلق خود را به نفع امیرالیرم امریکا در زنجیر کرده‌اند نتوانند به طرقداری از سردرم افغانستان و استقلال آن اقدام کنند. خصوصاً اینکه برخی از این رزم‌ها بدون هیچگونه برده‌ی بی‌اعلام داشته‌اند که کفر این در جهت جلوگیری از شهیددانی است که برای منافع امریکا در منطقه بوجود آمده است.

اما حوت این حالا که بار دیگر مردم ایران شاهد ترکت مجدد مقامات دولتی در جنب کفرانی هستند نتیجه نتایج کفرانی قبلی اشاره‌ی کرده باشیم (به نقل از مجاهد ۲۴): آنچه مسلم است اینکه پیشتهاد ده ماده‌ی عربستان

عصری می‌خواستند که اعمال - بنسیم که راهبان را ادامه نفوذ کنند بدون اینکه مسئولیتی در سپاه داشته باشند ولی مابه حکم وظیفه‌ای که بر عهده داشتیم و آن پاسداری از خون هفتاد هزار شهید است از این عمل جلوگیری می‌کردیم تا اینکه کم‌کم مخالفت‌ها با سپاه اوج گرفت و هرکاری که سپاه در جهت صانع این ملت رنجیده انجام می‌داد جلوگیری می‌شد و با اینکه هر حرف حقی زده می‌شد یا اصطلاحاتی که امروزه معمول است:

صدانقلاب - کمونیست - النفاطی - ضدروحانی و... به ما هم می‌زدند و با این جو تبلیغاتی مسموم بود که بواسطه عده‌ای از برادران سپاه را تحریک نموده و بر علیه سواری فرماندهی می‌بریسانکه اسفند از خط امام خارجند و منحرف عملاً سپاه را فلج نمودند و ما احساس کردیم که دیگر کاری از ما ساخته نیست در این رابطه بود که با سپاه آمدمند و بعد از تحقیقاتی که خودتان از مردم محل کرده بودید مسئولیت تشکیل سپاه را به عهده‌ی سواری فرماندهی که مورد نائند مردم و افرادی که از تهران آمده بودند گذاشتند و ما چون این امر را رطیفی سرخی و مکتبی خود میندازیم سپاه را با عضوگیری از برادران دیگر تشکیل داده و حرکت‌مان را در خط اصل انقلاب اسلامی‌مان تا آنجا که برای‌مان مقدور بود شروع کردیم چون ما به سپاه از این دید نگاه می‌کردیم که یک ارگان مردمی است و باید در جهت صانع مستضعفین قدم بردارد ولی بعد از گذشت چند ماه کم‌کم

اغلب سرانجام ترک در جنب کفرانی را نصیب نمود. در همان امام ما در "مجاهد" در شماره‌ی ۲۴/۲۴ خود ضمن تحلیل مفصلی از کفران باکسان و مسئله افغانستان اهداف خائنه‌ی رزم‌های مزدور باکسان و عربستان را در این مورد بر سرده و نسبت به ترک ایران در این کفران و مناج منفی آن هشدار دادیم. همدار دادیم که ما نمی-

کفران مجدده اصطلاح اسلامی! پاکستان ادامه‌ی توطئه‌ی امپریالیسم در منطقه

مستقله افغانستان را که در شماره‌ی ۲۴/۲۴ مجاهد درج شد بود بررسی کنیم. ۱- سندام که امیرالیرم نام و عنوان "اسلامی" بر کرده است. همچنان که در سندی شماره‌ی ۲۳ مجاهد شرح کردیم تا اوج گیری بوج امیرالیرم عرب در دهه‌ی ۶۰ میلادی در کشورهای غربی که به طور مشخص امیرالیرم امریکا و انگلیس را مورد حمله قرار می‌داد، امیرالیرم بر بنجاح "ان اسلام" و پس در مقابل آن دست زد که از بانیان دین اسلام - امریکایی - رزم جانش باد و عربستان سعودی بودند. امیرالیرم گویند تا با مطرح کردن حسن اسلامی، انگار عمل را به رزم جانی دست نشانده‌ی خود برگرداند و صانع خود را حفظ نماید و در واقع آنها می‌خواستند تا علم کردن حوری به نام اسلام، جنب خلق‌های منطقه را از پس ضد امیرالیرم امریکا و انگلیسی سحرش نموده اند آن جنب ضد کمونیستی بدهند و برای همین کار بود که راه مخلوط و شک فاصل دست در دست گذاشتند تا امیرالیرم و انگلیسی سحرش ضرورت ترک ایران در این کفران نیست؟ آیا چون عنوان اسلامی زاید می‌کند آیا از کفران منلی منجمه‌ی سحشی عاندیل ایران کرد - بدکه حالا ادامه‌ی آن لازم باشد؟ آیا تا به عنوان یک کشور مسلمان است که در این کفران ترک می‌کنیم؟ آیا این یک "اسلام امریکایی" نیست؟ آیا این در جهت نامس صانع امیرالیرم و انگلیس بود که گوش آن‌ها در منطقه نیست؟

۲- در همان مقاله، اشاره کردیم که سلطان‌های عربستان سعودی، کویت، بحرین، قطر، عمان و امارات متحده در بی تشکیل بلوکی برای مقاومت در مقابل موج‌های انقلاب اسلامی ایران و حفاظت از امنیت منافع امیرالیرم در تنگه‌ی هرمز هستند. ما همدار دادیم که امریکا در جستجوی بانگه -

اکون با کمال عکس می‌باشد که علیرغم سنجاب روز امروز نظامی، سیاسی و اقتصادی امیرالیرم - ها علیه ایران - علیرغم سوسیکی و وابستگی زود براند رزم‌های ارجاعی باکسان و عربستان به امیرالیرم و علیرغم مناج اسف باری که در جنب کفران باکسان در رابطه با حمایت از سرارارت مردم ایران به دنبال دست - سواری انقلاب منضم کرده است که وزیر امور خارجه‌ی خود را برای ترک در چین کرد همایی - که بوظنی مسلم امیرالیرم است - اعزام دارد و در همین حالت که اصل جنب سازدهی ضد امیرالیرم است ای به طور مشخص مورد تردید قرار می‌گیرد.

درک و تصور مقامات مسئول ایران از رزم باکسان چیست؟ تا چه دیدگاهی به رزم عربستان می‌نگرد؟ رابطه - ی امیرالیرم امریکا را با

مردم گرائی...

بیتقدیازصفحه اول

اقامی نماز ذکر شده است. "والذین استجابوا للربهم و اقاموا الصلوة و ما رزقناهم ینفقون" (و آنانکه احابت نمودند بروردگار خویش را و نماز را بنیاد داشتند و در امور خود با یکدیگر سورا کردند و از آنچه نصیبشان گردیده افاق می کنند).

در آیه دیگری خطاب به پیامبر دستور داده شده که با مردم صورت نماید: "فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظا غلیظ القلب لانقضوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم و ناورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین" (آل- عمران ۱۵۴).

(پس در بر تو رحمت خداوند، تو با انسان به نرمی برخورد کنی. و اگر سخت دل و بدخوی بودی، بدون شک مردم از اطراف تراکنده می شدند، پس تو از آنها در گذر و برایشان آرزوی خواهی کرد و با کارها با آنها مشورت کنی. پس چون تصمیم گرفتی، دیگر به خدا توکل نما. خدا توکلکنندگان را دوست دارد.)

تورا و سوهی کار تورا در عطرکردن و ست پیامبر و سایر پیروان انقلبی توحید به وفور به چشم می خورد. همچنین در سبب ابلاغه به کزات روی مسأله تورا انگشت گذاشته شده و سوهای مستندانه مورد نکوهش قرار گرفته است. به عنوان مثال در خطبه ۲۵۷ حضرت علی (ع) خطاب به مردم آن زمان چنین می گوید: "لیس امر و ان عظمت فی الحق منزلته، و تقدمت فی الدین فضیله بفق ان یغان علی ما حمله الله من حق".

(یک فرد هم هر قدر که منزلتش عظیم باشد و در دین برتر از آن نیست که از کمک شدن بی نیاز باشد)

"و لا امر و ان صفرته النفوس و اتقمته العیون بدون ان یعین علی ذلک اویغان علیه".

(همچنین یک فرد هر چه کوچک باشد، هر قدر هم که خفیزش کند و در نظرها حوار باشد، آنچنان نیست که نتواند دیگری را برای ادای حق باری کند، یا او را باری نمایند.) در جای دیگر در همین خطبه می گوید:

"وان من اسخف حالات الولاه عند صالح الناس ان یظن بهم حب الفخر"

(سخیفترین حالات رهبران در نزد مردم صالح این است که به آنها گفتن جاه طلبی و خودخواهی و غرور برده شود).

"و یضع امرهم علی الکتب" و امزشان را بر کتب (بی نیازی از دیگران) گذرانند. و چند فراز بعد اضافه می کند: "والیکم من البقیه فی حقوق لم افرغ من ادائها، و فرائض الاید من امضائها".

نامه‌ی دو فروشنده‌ی "مجاهد" در تبریز

بسم خدا

حضور محترم استاندار آذربایجان شرقی بدین وسیله به استحضار می رساند که اینجانبان حسن سالاری و مصطفی دهقانی ساکن در کوی مجاهدین در بند همت آباد جنب قهوه‌خانه‌ی مصر، جدی است که از طرف افراد معلوم الحالی تهدید به قتل شده‌ایم و علناً تهدید، فروختن روزنامه‌ی مجاهد می‌باشد. ما بدین وسیله از شما می‌خواهیم که تکلیف ما را مشخص کرده و بگویند که آیا فروختن روزنامه‌ی که از طرف دولت رسمی، آزاد و قانونی اعلام شده است، حرام است؟ و آیا این گونه تهدید به قتل‌ها که از طرف افراد معلوم الحالی که بر خود شما هم پوشیده نیست، لگد کوب کردن خون صفت هزار شهید به خون حقت نمی‌باشد؟ آیا امروز که انقلاب ما و کشور ما هر لحظه از طرف امپریالیستهای جبهه‌خوار تهدید می‌شود و آبادی داخلی آن‌ها فعلا به غرقه‌های درون کشور ما دامن می‌زند این گونه حرکت‌های تفرقه انگیزانه و وابستگی‌ها جز در خدمت مافع آمریکا نیست؟ و آیا موقع آن فرا برسیده که جلوی این قبیل اعمال ضد انقلابی گرفته شود ما با توجه به مسئولیت‌ها که اگر امروز هم مورد سوال قرار بگیرد در فردای قیامت باز برسیده خواهد شد. ادر شما می‌خواهیم که فوراً به این مسئله رسیدگی کرده و تکلیف ما را در مقابل این گونه حرکت‌های وابستگی‌ها که جز در خدمت آمریکا نیست، مشخص نمایید. ما سوخه به این که این قبیل حرکات تهدید آزادی‌ها و حسی بر خلاف قوانین مصوبه قانون اساسی است.

توکنی تهدید نامه به صصه ارسال می‌شود. با احترام
حسن سالاری مصطفی دهقانی
روپوست به دادگاه انقلاب اسلامی تبریز - دادگستری - ستاه
پاداران و مطوعات (کتابان - اطلاعات - سامداد - مجاهد)

دمکراسی بورژوازی، زیرا همچنانکه می‌دانیم تفاوت عظیم و غیرقابل انکاری میان دمکراسی انقلابی با پارلمنتاریسم بورژوازی که یک دموکراسی بی‌محتوا را با یک بوروکراسی ضد مردمی در هم می‌آمیزد، وجود دارد. در یک نظام استعاری که قدرت سیاسی در دست یک اقلیت کوچک حاکم است اصل دمکراسی به نخواستن ناپذیر از بسیاری جهات محدود و صرفاً صوری می‌باشد. نهادها و اصطلاح دمکراتیک در این نظام‌ها عمداً در خدمت طبقات استعمارگر قرار دارند.

در واقع دمکراسی در جامعه‌های که روابط استعاری بر آنها حاکم است، از آن اقلیتی بهره می‌برد. در چنین شرایطی تورا و دمکراسی به تمام اوضاع زندگی بوده‌ها ممول می‌یابد و بسجده از محتوا بی‌نیی می‌گردد. حال آنکه دمکراسی انقلابی اساساً خواهان افزایش نقش توراها و سازمان‌های بوده‌های. تسویق استکار بوده‌ها و حذف بوروکراسی زائد است (دمکراسی از یاشین).

در یک نظام دموکراتیک توراها، همهی قدرت به توراها یعنی اکثریت سازمان یافته‌ی مردم واگذار می‌شود (اتحادیه‌های توراها). چنین نهادهایی در هیچک از جمهوری‌های به اصطلاح دمکراتیک جهان سرمایه‌داری یافت نمی‌شود.

مضافاً اینکه در توراها مردمی، برخلاف سیستم‌های بوروکراتیک، تنها به بررسی و حلایجی اکتفا نمی‌شود، بلکه خود مردم مجربان حرف و تصمیم خویشان (اصل وحدت یافت نمی‌شود).

به این ترتیب در اثر اعمال این مکانیسم اهرم‌های سواستفاده، اعمال نفوذ، سانسور آراء و عقاید، قلب اخبار و تصمیمات رو به زوال می‌روند، رفته‌رفته آگاهی مردم رشد پیدا می‌کند و کارآیی عنصر توده‌های تورا، آشکار می‌گردد. (ادامه دارد)

بمعنورد و بیان ترمای آفایان حصاره هفان و قنادر سلاوی برسیه
صن - مبه - وستان - هرکسو مقصدا و نارد نه به هان شمد
مصر است و ی به سنا احناو نو نود که سورا شامدر هار. او حنه
فرقانه سزا ی خودشان ولی اگر بر خند حد از او رورانه ضاهد ی
خطی را ساروبه، غرضند ما هم حد آتورا سواهم ساروبه سوز
به سنا خود و لا فریبند ان به هان شتاه از سنا سنا ی سنا اثر
خواب ندادند هج در سزا این سوز. خون سوزان خود به گرس خود
شماست در رقان اسام این صفا اسانی از سنا سنا سنا
تروقی از حواصا سنا یان سنا سنا سنا سنا
صنور از سوزان سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا

تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۲

دوستان عزیز من
عین متن سند

نامه‌ی مدیريت سابق دانشگاه تهران به ملت ایران

خانم‌های و هاشمی رفسنجانی برای مناظره‌ی تلویزیونی خود - داری کردند فقط سانسبی تاریخ ۱۳۵۹/۲/۳ به دنبال دفاع اخیر دانشگاه اردسرت دانشگاه تهران استعفا کردیم. به دنبال آن آقای سیدعلی خاسه‌ای از سیر ساسرو در خطبه‌ی نماز جمعه سر روی نام رحمت طافه‌رفسای ما در اداره‌ی یکی از حسان سرتس مراکز مملکت، در طول چهارده ماه گذشته، حظ نظران کسید و ما را حاشن خطاب نمود. از آنجا که می‌باشد حقایق برای امام و امت زوش نود تا خادم را از حاشن نارسانند آقای خاسه‌ای و رفسنجانی را (که ایشان نیز به ما سس‌هائی دادند) نه مناظره‌ی تلویزیونی دعوت کردیم که همور پاسخی سسیده‌سام، وسز سانه‌ای در شرح و طابع روز ناحقایی در رابطه با مسائل دانشگاهها، با ارائه‌ی ادلای ظریفی، برای ملت ایران روشن شود.

مدیریت سابق دانشگاه دکترو محمد ملکی، دکتربراعلی براعلی، دکترو حسین صباغان دکترو کاظم اهری.

دعوت به همکاری
سازمان مجاهدین برای نشر اندیشه‌های توحیدی و ترجمه متون و آثار سازمان به زبان‌های دیگر از کلیه خواهران و برادرانی که تسلط کافی به زبان‌های انگلیسی-عربی-فرانسوی دارند دعوت می‌نماید در صورتی که تمایل به همکاری در این زمینه دارند از طریق نشریه مجاهد ما تماس بگیرند.

کارکنان "هما" خواستار تشکیل دادگاه علنی هستند.

شیفت "D" آشنایی فنی (قسمتی که خسروضیائی در آن کار می‌کرد)، نشان‌دهنده‌ی اعتراض اقلیت است یا اکثریت؟

جلو‌بروز هواپیمایی را که به دستور امیرانظام‌ها اموال و اسناد را خارج می‌کردند، گرفته‌ام. البته اگر کسانی در روابط عمومی هما نگران اسناد فراری داده شده و با علاقمند به شناسایی عناصر ضدانقلابی هستند که اسناد را برده یا نابود کرده‌اند، کافی است لحظاتی ببینید که؟

چه کسانی با از کار انداختن رادارها و جمع‌آوری توپ‌های ضدهوایی از فرودگاه زمینه را برای تهاجم نظامی آمریکا به ایران فراهم کردند. و با فکر کنند که پس از اینهمه به اصطلاح پاکسازی (از همان نوع که در هما جریان دارد) چه کسانی اسناد بجا مانده از مزدوران آمریکائی را در کویر لوت بمباران می‌کنند، پس لفظ داخل آستین‌های‌تان را هم نگاه کنید.

بیانست جمهوری دکتراولاسون بی صدر
خداوندت هوپایا بی غی ایوان با شکلا و صافی رومیت کوزا بایچه و عیان اخباری غیر
ستلا و نا عیان ایجاد شده است. آلتا در دیواره که نه صافی غنی و اشعاعی است. آلتا بایچه
عقل مکتب دکلا که هر روز بایچه برده و با نگاه‌هایش که کارکنان همداستانه
بیشتر و بیشتر انجام می‌دهد نتیجه ضابطه حاصل می‌شود. و اگر چه این ضابطه ضابطه
و با هم صافتر می‌شود دکلا نباید در فرودگاه آزاد و بیرون هرگز بر طرف انداخته
شده است. در فرودگاه آزاد اما باید به هم‌کاران خود اطلاع داد که در آنجا اسناد
را با به گفته و با اظهار خاطر آنها را خارج آمریکا می‌کنند.
اخراج مدارک از کارکنان سایر فرودگاه‌ها نیز باید در نظر گرفته شود و از این جهت
است.

۲- "روابط عمومی هما" اسنادی که از خروجش برای تخطئه‌ی سوابق سیدی آخوندی، از جمله جلوگیری از خروج اموال و اسناد آمریکائی‌ها می‌برد: "پس کجاست آن"

اما اینکه گفته شده سیدی آخوندی "عضو هماهنگ کننده‌ی هیئت نظارت بر پرواز بوده، لازم به تذکر است که در همان تاریخ یعنی ۱۲/۲۳/۵۷ و قبل از آنکه حتی یک هواپیمای بارگیری شود، مطابق دستخط دکتر یزدی و امیرانظام آقایان رضافرمانی و مهندس محدث مسئول نظارت بر پرواز شدند و لذا هیچ مسئولیتی متوجه من (سیدی) نمی‌تواند باشد (البته خودتان می‌دانید که این اتهام کاملا بوجه است و گرچه می‌بایست نمایندگی و کرک و کارشناس نظامی سپاه پاسداران نیز مورد مواخذه قرار می‌گرفتند) بدیهست برای روشن‌تر شدن بود که جرئت چنین کاری را داشته باشد". این را هم اضافه کنیم که

شرکت پازول (دستی‌نص)
مستند به پیوسته‌های فنی
شهران انقلاب اسلامی هواپیمای ایران
فرمانده ۱۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰

اعتراض روابط عمومی "هما" به مقاله‌ی "پاکسازی یا اخراج" مندرج در "مجاهد"!!

این امت قهرمان است که مقاومت می‌کند که باستی حرف دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را در مورد خروج اسناد جاسوسی پذیرفت یا حرف روزنامه‌ی مجاهد را که ادعا دارد عنصر انقلابی از خروج اسناد جلوگیری نموده، پس کجاست آن اسناد که از خروجش جلوگیری شده؟ و این امت قهرمان ایران است که باستی قضاوت کند که اخراج جنس فردی و معرفی وی به دادستانی انقلاب عملی است خودسرانه و اخراجی است ضد-انقلابی یا طبقه‌ای سنگین در جهت خدمت به امت اسلام.

حریده‌ی تریفه‌ی مجاهد به تاریخ ۵۹/۲/۲۶ در آن روزنامه مقاله‌ی تحت عنوان پاکسازی یا اخراج-صدا انقلابی! درج شده که جوابی آن بدنیوسله جهت درج در آن روزنامه طبق قانون مطبوعات ارسال می‌گردد. در مقدمه‌ی مطلب مورد اشاره‌ی فوق ضمن اشاره به اخراج دوست به نام‌های حواد سیدی و خسروضیائی پس از دادن لقب عناصر انقلابی به ایشان صحبت از سوابق مبارزاتی به میان آمده و سپس موضوع اعتراضات زیاد از طرف کارکنان به اخراج آنها خودسرانه نامیدن اخراج، لذا لازم است مطالب زیر به اطلاع عموم برسد:

۱- اظهار نظر مکتوب آقای سیدی را در مورد حزب رسوای رستاخیز دلیلا می‌آوریم تا همگان بدانند عنصر انقلابی یعنی چه است.

عقیده ما در نهایت فقط این عملکرد افراد است که می‌تواند میزان قضاوت قرارگیرد و نه نام و شهرت و سابقه و مسائل از این قبیل گرچه ما گوشه‌ای از سوابق انقلابی ایشان پس از پیروزی همین‌ماه را در بند ۴ جهت قضاوت عموم می‌آوریم.

۲- اما صحبت از اعتراضات زیاد از طرف کارکنان به عمل آمده که لازم است توضیح داده شود که: الف - در مقابل اعتراضات طومارهایی نیز به نایب اخراج واصل گردیده که به مراتب بیش از اعتراضات است علاوه بر این فریادالله- اکبر در جلسه عمومی سخنرانی مدیرعامل موبید اخراج از طرف کارکنان می‌باشد ب- اعتراضات صرفا از طرف تعداد معدودی بوده که اکثر با گرفتن توضیحات قانع شده‌اند و آن تعداد باقیمانده عدم رضایت‌شان به دلایل عاطفی یا به دلیل کافی نبودن

۳- البته این امکان وجود دارد که ایشان پس از اظهار نظرهای مورد اشاره در بند ۱ فوق از مواضع خود عدول نموده باشند و تبدیل به عناصر انقلابی شده باشند، اما در این صورت بایستی این نکته را نیز مدنظر داشت که

فردینک ۱۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰
عنوان: اعتراضات کارکنان هواپیمائی ایران
موضوع: اخراج سیدی و خسروضیائی

عنوان: اعتراضات کارکنان هواپیمائی ایران
موضوع: اخراج سیدی و خسروضیائی
تاریخ: ۵۹/۲/۲۶
مکان: تهران
شماره: ۱۰۰

۴- "روابط عمومی هما" در باره‌ی خسروضیائی با کمال وقاحت می‌نویسد: "بنابر اعتراف خودشان مسئول تخلیه‌ی عمدی باطری‌های آتش‌خاوش-کن موتور هواپیمای می‌باشد!" توجه ایشان را به گزارش مجمع فنی جلب می‌کنیم که از قول

روبوشت: جمهوری اسلامی، آردگان، بامداد، کیهان، اطلاعات، دادستان انقلاب دانشجویان پیرو خط امام (لایه‌ی جاسوسی)، انقلاب اسلامی.

۲- البته این امکان وجود دارد که ایشان پس از اظهار نظرهای مورد اشاره در بند ۱ فوق از مواضع خود عدول نموده باشند و تبدیل به عناصر انقلابی شده باشند، اما در این صورت بایستی این نکته را نیز مدنظر داشت که

سخنان برادر مجاهد سعود رجوی در جمع

استادان دانشگاهها و مدارس عالی

ما از آخرین قطرات دموکراتیک جامعه هم استفاده می‌کنیم

در شماره‌های گذشته، قسمت‌هایی از سخنان برادر مجاهد سعود رجوی را، در جمع "استادان دانشگاهها و مدارس عالی" منعکس کردیم و اینک قسمتی دیگر از این سخنرانی را به نظران می‌رسانیم.

بنابراین ما با علم و اطلاع به تمام این مسائل سیاسی موضع‌گیری می‌کردیم و سرانجام بعد از همه‌ی جنبان، بعد از تمام مشاوراتی که انجام دادیم به این نتیجه رسیدیم که اصلاً شرکت ماعلی‌رغم تمام این حرها یک وظیفه‌ی مردمی است. مرحله‌ی انقلاب است عینی است این نتیجه رسیدیم که به سبب می‌بایستی از امکانات دموکراتیک تا آخرین قطره‌ای که ممکن باشد استفاده کرد، و این وظیفه‌ی ماست، بلکه اصولاً ما سیاسی‌جو مسیحی که امپریالیست‌ها می‌خواهند، ما هم دامن برسم به این دلیل تا حال استفاده‌ایم، کمک خودم، شهید شدیم. دشمنان را از حده‌ی درآوردند، شراب‌مان را آتش زدند، و اسائلمان را هم آتش زدند، اما باز هم ما به این افتخار می‌کنیم که بتوانیم امتحان انصاف انقلابی را شان نهم و در سطح نیروهایمان در سراسر کشور به آن پای بند باشیم که حتی باعث شکستی خودحمله‌کننده‌ها شد که بطور وونی که می‌توانیم واکنش شان نهم می‌دهیم. ولی البته حقیقتاً می‌دانم ما این راه‌خرا را تا کجا خواهیم توانست، ادامه ندهیم و بارها به مقامات مسئول گفته‌ایم و خدا کند که بتوانیم.

تا وقتی که سازمان به من بگوید صبر کن، صبر می‌کنم!!

حاجم طالبانی خودش در یکی از این سخنرانی‌هایی که در دانشگاه استیم، برای من صحبت‌های را تعریف می‌کردند که یک برادر کوچک من ۱۵ ساله که در حلقه‌ی زنجیر دستها را گرفته بود، و باقی استفاده‌ی او، و از جمع محافظت می‌کرد، یکی از اوپاش به او نزدیک شد، و با تمام فوش یک سیلی به او زد تا مثلاً برای ما آزادان صورتی دستش را از زنجیر درساورد. در اینحال محدود فرد مهاجم کارش را تکرار کرد بعد نوبت این طرف گوشتش رسید و این عملش باز تکرار شد. تا بالاخره فرد مهاجم

قسمت‌هایی از سخنان دکتر بنی صدر

دکتر بنی صدر در ابتدای گفت: من یک فهرست در باره‌ی سلطه‌ی فرهنگی، عناصر تشکیل‌دهنده‌ی این سلطه‌ی فرهنگی بیان می‌کنم، بعد می‌پردازم به اینکه در نظام آموزشی، ما چه باید کنیم تا آن دگرگونی بنیادی بوجود بیاید که اصل از آن اصول سلطه‌ی فرهنگی غرب برای ما، منع ابتکار و ضرورت اقتباس است که غیر اروپایی اندیشه‌ی خلاق ندارد، بنابراین باید تقلید کند فرهنگ اروپایی را بی چون و چرا، و از ابتکار خودداری کند. یک اصل دیگر از این سلطه‌ی فرهنگی که از اولی‌سالی می‌تواند ضرورت انقطاع فرهنگی است.

ما نمی‌خواهیم که مسئول شکست آخرین تجربه‌ها باشیم.

در این لحظه من بحما هم نگران آن هستم که واقعا کی خواهند توانست صبر کنند تا بنابرین مضافاً بر استفاده از هر امکان دموکراتیک و دامن بردن به جو نسج ناآخا که ما مربوط می‌شود، ما این مسئله را هم داریم که آخرین تجربه‌ها را هم مسئول شکست نامیم تا نسل ملعون و مغرض ده‌ای در آینده تلقی نسیم به این دلیل هست که ما آخرین چشم‌انداز امیدبخشی را که البته با احتمال ضعیف ممکن است وجود داشته باشد، از طریق تاسیس مجلس، از طریق حضور عنصر انقلابی در ایران برای روشنگری، برای انجام هرکاری که در جهت وحدت ضدامپریالیستی تمام خلق از دشمنان برمی‌آید و به طور فزاینده‌تر برپا کردن یک فراز ملی، یک فراز عمومی و برای، یک فراز آتش‌سوزی داخلی، برای پایان دادن به درگیریها، برای منحرف شدن موج نیروها به داخل، برای موع دادن آنها علیه دشمن اصلی (که مسبب اصلی عمده‌ی این بلاهاست) بازهم به این نتیجه رسیدیم که روند بازی دموکراتیک را ما پایان یافته اعلام نکنیم و پیش‌تریم و این فرصت را بازهم نافی نگاه خواهد داشت برای نیروهای که بتوانند بیندیشند که بطور نمی‌شود ما انحصارطلبی مسئله‌ای را حل کرد. کم نیستند افرادی که امروز متعقدند که وضعیت سیاسی کشور در حال یک انفجار است و طبیعتاً، ما نمی‌خواهیم که این انفجار را دامن بزنیم، ما می‌خواهیم که بازهم این فرصت را نافی نگذاریم، مضافاً بر آنکه همانطور که گفتیم حتی از یک کرسی هم به مثابه‌ی یک سنگر استفاده کنیم، برای بسیاری مطالب، که از جمله برای شما که در سینه‌هایمان حبس است مخصوصاً بعد از چندین تجربه‌ی انتحایی اینبار هیچ استیابایی برای شرکت نداریم، اما به این نتیجه رسیدیم که

گزارش سمینار انقلاب فرهنگی

در تاریخ چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه اولین سمینار انقلاب فرهنگی به ابتکار دفتر هماهنگی همکاری‌های مردم با رئیس جمهور در تالار ابوریحان دانشگاه ملی ایران گشایش یافت.

این سمینار که به مدت چهار روز ادامه داشت، در روز سینه نهم اردیبهشت با برگزاری یک میز گرد، به کار خود پایان داد.

این میز گرد که با شرکت آقایان دکتر بنی صدر، دکتر سریمنداری، مسعود رجوی، دکتر حبیبی، ظاهر احمد زاده، حسن آل احمد، دکتر تکمیل همایون و معادبخواه تشکیل شده بود، حدود پنج هزار نفر از دانشجویان و دیگر اصناف مردم شرکت کرده بودند. در ابتدای برنامه تمامی حضار بنا بر پیشنهاد دهم هماهنگی همکاری‌های مردم با رئیس جمهور که برگزار کننده‌ی این مراسم بود، به پاس خون شهدا به با خاستند و یک دقیقه سکوت کردند.

شرکت کنندگان در این میز گرد به جز آقای دکتر بنی صدر که سخنرانی شان حدود ۲ ساعت به طول انجامید، هر کدام در دو نوبت بین ۲۰ الی ۳۰ دقیقه سخنرانی نمودند (البته آقای احمدزاده، در نوبت اول، صحبت‌های خود را تمام کرد). ما در این شماره و شماره‌های آینده قسمتهایی از سخنرانی هر کدام از شرکت کنندگان این میز گرد را به ترتیب نوبت سخنرانی می‌آوریم.

اولین سخنران این میزگرد آقای دکتر بنی صدر بود.

اساس انقلاب فرهنگی را در زمان ما و در دورانی که برصد رژیم شاه اغلالت کردم تشکیل می‌دهد؟ برای اینکه خواهران و برادران من صحبتی اصلی جنگ ما با سلطه‌ی خارجی است و وقتی اسباب در مقام مسئولیت قرار گرفت و خواست این مسئولیت را وسیله‌ی ایجاد یک قدرت خود-کننده سارد محتاج اختلاف نمی‌شود، به خصوص که ناگزیر باید دنباله‌ی سردرغائی-خس را هم بگیرد و با سلطه‌ی غرب در همه‌ی زمینه‌های زندگی جامعه سرگردان دولت ما در انصورت محتاج وحدت است پس ما ناگزیر باید اسباب وحدت مردم را فرورس کرده و چه در فلور و چه در فلور و اسباب و اعمات زندگی، اسباب اختلاف را کم کنیم، سراسر این فرهنگی که ما تاچاریم سبوق و مروح آن باسم فرهنگ وحدت و وحدتی است. ارگانهای تبلیغاتی ما که امیدوارم از این زمان حشر شود، سبب ارگانهای تبلیغاتی این وحدت و رمن به سوی آن

خبره‌انگار بدنی است یا نه؟ ۲- محوی علم که در دانشگاهها و حتی در دستها و دسترسان‌ها باید آموخت، چیست، چه حشر را ما علم تلقی کنیم؟ ۳- چه سارمی به نظام آموزشی از کودکان و از دامان مادر تا سراسر از ناگور) باید دهیم؟ که اسباب دائم محیط اجتماعی خود را که مدرسه حزئی از آن است محیط آموزش و تکامل تلقی کند؟ این سه موضوع را به عنوان حل مسئله‌ی اغلالت آموزشی باید حوات سراسر پیدا کنیم و بگوئیم چگونه می‌توانیم این سه مشکل را حل کنیم تا بطور روشنی پیدا شود برای آن نحی که هست به عنوان اغلالت فرهنگی و آموزشی. آقای بنی صدر در قسمت - های دیگری از سخنان خود گفت: چرا حکومت ما محتاج وحدت همه‌ی مردم است؟ چرا این وحدت و رمن به سوی آن

کنفرانس مجدد... بقیه‌ی صفحه ۳

نهتن و دست میرزا! بد زینالهای اسلام بنه! و دادن رهنمودهای لازم " با رضایت کامل " باکسان را ترک فرموده امپریالیزم نیز به امریکا سفر کرد و با قول کمک‌های نظامی و اقتصادی فراوانی بازگشت. با این همه تعجب آور است که شورای انقلاب، باز هم تصمیم گرفته است که در چنین کنفرانسی شرکت کند. کنفرانسی که با دستور مستقیم امریکا، به کارکردانی مهره‌های سرسپرداس و در جهت نامین منافع امپریالیزم و انتحرافی مبارزات ضدامپریالیستی خلق-های منطقه تشکیل شده است، شرکت ایران در صورت کنفرانسی، در شرایطی صورت می‌گیرد که ما به لحاظ نظامی مورد وسع‌ترین و خطرناکترین توطئه‌های امپریالیزم قرار گرفته‌ایم و نیروهای امریکا تا اعماق خاک کشورمان نفوذ کرده و به طور چشمگیری ایادی داخلین را تعال نموده است و اکنون نیز با تشکیل کنفرانسی به اصطلاح اسلامی مجدد باکسان طرح‌های تجاوزکننده‌ی نظامی خود را با اقدامات سیاسی و شکل ارجاع منطقه تکمیل می‌کنند. عرسنان و باکسان که اینک اقدام به برپائی چنین کنفرانسی کرده‌اند، هرگز در مقابل مهاجم نظامی امریکا علیه ایران جز سکوت و با حتی بطور غیر مستقیم نباید آن موضع دیگر نگرفته‌اند. چرا آنها محکوم نشده‌اند؟ چرا حتی به طور مستقیم و غیر مستقیم ندانند و امکانات چنین حمله‌ای، نقش داشته‌اند؟ شرکت ایران در این کنفرانسی به چه منظوری است؟ آیا تابینان اندازه، دشمنان را دوستان خود (آن هم از نوع اسلامی) تصور کردن، صرفاً از روی ناآگاهی است؟

سارمان با همه‌ترین سروهای موجود در سطح کشور و به همین دلایل در معرفی سهاجم امپریالیست‌هاست و تا آجائی که من می‌دانم مقامات رسمی هم گزارش‌هایی در دست دارند که یکی از هدف‌های حمله‌ی امپریالیست‌ها هم حمله به دفاتر ما بوده است. اکنون در موقعیت و بزهای که سر می‌بریم، این موقعیت و بزهای که باعث شده امروز ما مورد بسترین سهاجمات و تهمتها و افتراات نامیم که واقعا بعضی وقتها هم از زبانی می‌شنیدیم و بسیاری از سهمتها که حالا نثار خواهرها و برادران ما می‌شود به این شدت در گذشته حتی به این جانب ساواک هم ساعه ندانسته است، خوب این هم از شگفتی‌هاست و از نجارت بزرگ و شاید از بلاهای بزرگ و در همین حال زیر زبانی از گلوله و تهمت و افترا به میناب و خونین خودمان عمل خواهیم کرد، این مطلبی نیست، اگر راه را اشتاءالله درست تشخیص داده‌باشیم. (ادامه دارد)

سالگرد شهادت مجاهد شهید حسین گرمانشاهی اصل را گرامی می‌داریم



الذین یبطلون رسالات الله و یخشون و لا یخشون احدا الا الله...

(کسانی که بنسبهای حدائی را نه بوده‌ها می‌رساند و از خدا می‌ترسد و جز او را هیچ‌کس باکی ندارد...)

لارمی فهم درد مردم و ویژگی یک انقلابی می‌داشت، و الحق که خودش در این مورد نمونه بود. سالهای سال را با یک دست لباس سر می‌کرد و همان رنگی ساده و محتصرش را هم با کار خودش تاسیس می‌کرد.

سال ۴۷ وارد دانشگاه صنعتی تبریز شده، و فعالیت های سیاسی - اجتماعی خودش را گسترش داد. در فعالیت‌های ایلامی دانشگاه و سر در شکل‌گیری بسیاری از انجمنات دانشجویی نقش موثر داشت. مرحله در تظاهرات اعتراضی نسبت به گزافی سلطه افسوسهای واحد، یکی از رهبران دانشجویان دانشگاه صنعتی بود. صداقت، خلوص، گذشت و ایثار او در تمام این فعالیت‌ها نمونه بود. هیچ وقت نبود که خودش را بر دیگری ترجیح دهد.

عزیزم آنکه سالان دراز محصل ممتاز بود ولی فعالیت‌های دانشجویی و وجدان مسئول و آگاه او، از این پس اجاره‌ی درس خواندن به او نداد، لذا به ترم منوالی نتوانست معدل خدمت فصولی را بیاورد.

سجنا او را به همراه عده‌ای دیگر از دانشگاه اخراج کردند. البته هبات آموزشی دانشگاه حاضر شد، وضع حسین را (که ساعده‌ی دانشجویان معترض اخراجی بود) درست کرده و مانع اخراج او شود. اما کسی که عزیزم شرایط سخت جاودگی، کسی نبود که فقط کلمه خودش را از آب درکنند و نه فکر حل مشکل فردی باشد. این طرح را مدیریت و سر به اخراج داد. پس از آن با رفس به مدرسه‌ی عالی حسابداری فعالیت‌های سیاسی‌اش را متکثر کردند.

در خمس سالها در حسابات درس چند علی شریعی شرکت می‌کرد و برداشتهای اندونولوزیکش را عبا می‌بخشد. در معرفی دکتر شریعی و آرتاس به جوانان اهواز نقش موثری داشت. درکش از اسلام، انقلابی و مردمی بود و عیدها با برداشتهای راست‌گرایانه و ارجاعی از اعلام مخالفت می‌کرد. با همین درک اصولی بود که همواره به دوساس توصیه می‌کرد که از صادق ابلی جامعه که همان امیرالبرلم عاریگر و رزم دست ساعده‌اش است غافل شده و نه مسائل فرعی و متعول‌کننده، بپردازند.

در برخورد با مردم بسیار متواضع بود، همچنانکه از موضع بالا و سر بر آبان برخورد نمی‌کرد و اگر از کسی در این مورد خطایی سر می‌زد، صریح و قاطع استغاف می‌کرد.

حسین از مردم خیلی چیزها یاد گرفته بود. ساده‌ زسی و خودسازی انقلابی را

"ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین..." (۷۵ سال) را می‌خواند و می‌گفت: "هر کس، به هر دلیل که باشد، به مبارزه‌ی آزادیبخش مستضعفین بپیوندد، حاشی در کنار رزم است... راه پیوسته وجود ندارد..."

اوائل سال ۵۱ به سازمان مجاهدین خلق پیوست. در ایجا بود که حسن سلور تمامی آرمان‌های وجودی و اندیشه‌های انقلابی را یافته و لذا بزور و مصطوف و دقیق، مسئولیتهای سنگین را برانجام می‌داد. معمولاً شاحت او از افراد و پیش‌بینی‌هایش درباره‌ی آنان درست درمی‌آمد. نسبت به گواهی از اصول و معیارها شدیداً حساس بود و فاطماه و صریح و بیگمراست می‌کرد، و این یکی از ویژگیهای بارز حسن بود.

زندگی انقلابی به حسن زبکی و هوشیاری فوق‌العاده‌ی خندیده بود، به طوری که با رعایت مسائل امنیتی و حفاظتی چندین بار توانست از چنگال پلیس بگریزد. مثلاً یکبار در بهار ۵۲ به اهواز سفر می‌کرد و به دلیل رعایت مسائل امنیتی از رفس به منزل دوسان و افواش خودداری کرده و شب را به مسافرخانه‌ای می‌رود. حدود ساعت ۱۲ موعه‌ی رفت و آمدهای متکوک عده‌ای به مسافرخانه می‌شود. همان موقع، بدون هیچ سسی و حومه‌کاری، ارماسفراخانه خارج شده و شب را در بناهای اطراف شهر می‌گذراند. یکبار دیگر در منزل یکی از دوستانش بوده که مردوران ساواک برای دستگیری هر دوسان به ترحم مراجعه می‌کنند. حسن که هوشیارانه موعه‌ی قصه شده بود، در مقابل ساواکی‌ها بلند شده و به طور خیلی طبیعی با دوستی دست داده، جداحافظی می‌کند و به سرعت بیرون می‌رود. سوعه‌ی دیگر وقتی بود که مامورین ساواک در خانه‌ی برادری در تهران دام گسریه و برای دستگیری مراجعه به کمن بسته بودند. حسن که از جریان خبر نداشته به خانه مراجعه می‌کند و سراع برادر زبور را می‌گیرد. مامورین ساواک می‌گویند: "خانه بست" او که هوشیارانه موعه‌ی وضع غیر-عادی منزل تدبیر می‌گوید: "بسی بی‌روم باش می‌حرم و برمی‌گردم" و به این ترتیب از دام آنان می‌گریزد.

یکبار هم با مامورین در خانه را می‌رسند و قبل از آنکه وارد شوند حسن با زرنگی خاصی از دیوار فراری می‌کند. نمونه‌هایی از این قبیل که سالگره‌ی دقت و زیرسی یک جریک در برخورد با مسائل مختلف است، در زندگی حسن کم نبود. سال ۵۱ به دلایل امنیتی، فاطماه زندگی محفی را شروع می‌کند. در همراه

همین سال، پس از دستگیری مجاهد شهید محمد معینی، ارتباطش با سازمان قطع می‌شود. دوره‌ی قطع رابطه با سازمان، برای حسین که سازمان خلقی تمامی وجودش و تلور تمامی آرمان‌هایش بود، بسیار سخت و دردناک گذشت. اما توسط مجاهد شهید سعید سعیدگی به مجاهد شهید محمد شریف‌واقی فریض و به وسیله‌ی او مجدداً سازمان وصل شد.

در سال ۵۳، از شکل گیری یک جریان اجراهی حت نما در سازمان آگاه می‌شود. وقتی یکی از سردمداران این جریان، مساله را با او در میان می‌گذارد، حسن تندتا مقابله کرده و می‌گوید: "عما حق استفاد از نام مجاهد را ندارید."

مسافحه در همین شرایط حسن به سختی مریض و در بیمارستان بستری می‌شود و لذا نمی‌تواند نقش فعال‌تری در مبارزه با ایورنوسم بازی کند. قبل از افشای چه‌بها کره ایورنوسم چپ‌ها در اردیبهشت ۵۴ حسین با نام ستعار صالح نیری، از طریق تعین و پیگیری یکی از سازرین دستگیری می‌شود (فروردین ۵۴). ساواک که در اوج بگفتاری بی‌ترانه‌ای بود، وحشیانه حسن را به زیر زجر او برترین شکنجه‌ها می‌کند. اما حسن که وجودش را با خلق ستم‌دیده و منتظر، گره زده بود، لب به سخن ننگشود. قنلا به برادرش وعده داده بود که: "در صورت دستگیری حداقل ۱۵ روز مقاومت می‌کنم و اسم را هم به دشمن نمی‌گویم."

شگفتا که حسن قهرمانانه به وعده‌اش عمل کرد: "الذین یوفون بعهدالله و لا یلقضون الامتیاق والذین یصلون ما امرالله به ان یوصل و یخشون ربهم و یخافون سوء الحصاب" (کسانی که عهد خدا را وفا می‌کنند و سمان نمی‌کنند، کسانی که می‌پیوندند به آنچه خدا دستور داده و بیم مسئولیت در مقابل بروردگاریان دارند و از بند جنایی می‌ترسند...) موعه‌ی جلا داد ساواک در حالی که از مقاومت حسن به تنگ آمده بود یکی از برادران گفت: "او حتی اسمش را هم به ما نگفت!"

عکسش را به او نشان می‌دادند ولی باز از بند رفتن نام خودش امتناع می‌کرد؛ ساواک با آن قدرت و هیبت جسمی‌اش در مقابل بدن اسحوانی وضعف و خردسندی حسن به زانو درآمد! کوره‌ی گذران انقلاب چه اسامی‌های سنگت‌ناپذیری می‌آفریند!

بالاخره پس از یک هفته شکنجه، اگر چه بیگمراست حسین درهم کوبیده و به خاک و خون کشیده شد ولی وجودش پاک نروپالوده‌تر، آزاد شد و اوچ گرفت.

یادش در دل‌های یونندگان ثابت قدم‌خ‌ی همواره پاینده‌اد

در باره‌ی تقلبات...

با توجه به اهمیتی که مجلس شورای ملی به‌عنوان مرکز اصلی تصمیم‌گیری در تعیین سرنوشت مردم به دست خودشان و استقرار یک نظام سوراخی دارد و با توجه به تریسروشت - ساز آن در حفظ وحدت ملی و شرکت افشار مختلف اجتماعی در تعیین سرنوشت خود بایستی از ابتدا، برگزاری انتخابات از هرنوع اعمال نفوذ و تقلب مصون می‌ماند تا با شرکت نمایندگان عموم مردم در این مجلس و اشتراک مساعی‌شان در حل مشکلات و باسامانی‌ها، آسیب‌پذیری انقلاب به حد اقل ممکن برسد و وحدت و اتحاد و یکپارچگی مردم تضمین شود. اما از همان ابتدا کسانی که حرص و آز انحصارطلبانه، اندسندی سرنوشت انقلاب را از یادشان برده بود، به طرق گوناگون سعی در کنترل و هدایت انتخابات در جهت منافع گروهی خود کردند تا این مادر سوراها را هم چون سایر نهادهای بنوسلغای برای سلطه و اعمال نفوذ خود تبدیل کنند و سرانجام سیرازه‌ی وحدت ملی را از هم جلا کنند و سرنوشت انقلاب را فدای آمال قدرت طلبانه‌ی خود نمایند.

در مرحله‌ی اول، انواع خلقات، تقلبات و نفس‌بی‌طرفی از همان بدو تشکیل انجمن‌های نظارت مرکزی و فرعی و روال کار آنان گرفته‌ما آخرین مرحله‌ی فشارش آرا، به طور گسترده انجام شد که ما گزارشات و شکایات مربوط بآن را در اخبار رئیس جمهوری و سایر ارگان‌های مسئول گذاشتیم. سرانجام شکایات فراوان ما و سایر نیروها که به تقلبات گسردنی مرحله‌ی اول معترض بودند، سحر به تشکیل کمیسیون هفت نفره از طرف شورای انقلاب شد. ما امید داشتیم اخباری که این هیئت از شورای انقلاب گرفته است مانع پایمال شدن حقوق مورد اعتراض را در اختیار این هیئت قرار دادیم. اما بازهم مصالح و منافع گروه خاصی عملا وجود این هیئت را نادیده گرفت و دست بکار انتخابات مرحله‌ی دوم شد.

ما علی‌رغم اعتراضاتی که به انتخابات مرحله‌ی اول داشتیم و بدون رسیدگی به آنها این انتخابات را مین آرا، واقعی ملت نمی‌دانستیم. در انتخابات مرحله‌ی دوم شرکت کردیم زیرا بر آن بودیم که از هیچ قدمی در راه تقاهم و وحدت ملی فروگذار نکنیم و نا آنجا که به ما مربوط می‌شده همواره در این راه پیشقدم بودیم.

بنابراین با طرح پیشنهادی برای اصلاح سیستم انتخابات و مصون شدن آن از اعمال نفوذ و تقلبات ناروا شرکت خود را اعلام کردیم. اولین پیشنهاد ما افشای انواع تقلبات دور اول و ابطال انتخابات حوزه‌های تقلب‌آمیز بود. ما حواس‌تار آن بودیم تا امرای گیری و مسئولیت صندوق‌ها به افراد بیطرف سپرده شود و از دخالت ارگان‌های اجراهی و نیروهای نظامی در این کار جلوگیری شود، تبلیغات مفرضانه و غیرافواشی رادبو تلورینون قطع شده و کاندیداهای از طریق رادبو تلوریزون به مردم معرفی شوند تا مردم خود بدانند چه کسانی را به مجلس خواهند فرستاد.

همچنین از حوسازی‌ها و تحرکاتی که به منظور ایجاد آسوب در بعضی مناطق صورت می‌گیرد جلوگیری شود و سیستم رای‌خوابی هم کامپیوریزه شود (که این قسمت احام شد) - احد شده میبسی بر ساخت مردم باشد نه با سوا استفاد از ناآگاهی آنها. (ادامه دارد)

سومین سالروز هجرت دکتر علی شریعی

در زمین چمن دانشگاه تبریز را گریزید.

عصر روز پنج‌شنبه ۲۵ اردیبهشت ماه مراسم بزرگداشت سومین سالگرد هجرت معلم شهید دکتر علی شریعی به دعوت کانون نشر اندیشه‌های شریعی و خانواده‌ی شریعی در زمین چمن دانشگاه تهران با حضور حدود صد هزار نفر از مردم تبریز برگزار گردید.

مراسم در ساعت ۴ بعد از ظهر با تلاوتی چند از آیات قرآن مجید آغاز گردید، سپس پیام کانون اطلاع اندیشه‌های شریعی قرائت شد و بعد از آن سرود حماسه‌ی شریعی پخش گردید. آنگاه پس از قرائت پیام استاد محمدتقی شریعی خادم پوران شریعی رضوی هسمر دکتر شهید پیرامون زندگی شهید شریعی سخنانی ایراد کرد. پس از پایان سخنان خادم پوران شریعی رضوی پیام سازمان مجاهدین خلق ایران قرائت گردید. در ادامه‌ی مراسم به ترتیب طاهر احمدزاده، ابوذر داسی و در پایان احسان شریعی سخنرانی کردند. در بین سخنرانی پیام بعضی از گروه‌های شرکت‌کننده در مراسم نیز قرائت گردید.

این مراسم در ساعت ۸ بعد از ظهر به اتمام رسید. ما در شماره‌ی آینده گزارشی از این مراسم را درج خواهیم نمود.

نگاهی به اخبار و رویدادها

نگرانی امپریالیسم، از عمق یافتن مبارزه ضد استعماری

درباره حفظ پل‌های ارتباطی غرب، کم‌تأثیر امپریالیسم را در کلیت خود، نامین‌کند. در شماره گذشته مطالبی بیان داشتیم و در آنجا گفتیم که در همین رابطه است که اروپای غربی، در مورد تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا، انعطاف نشان می‌دهد. این انعطاف، از یک نظر ناسی از برسی است که امپریالیسم، از عمق یافتن مبارزه ضد استعماری و حرکت خلق به سمت خودکفایی دارد، و از نظر دیگر از کم‌تأثیر روابط اقتصادی با کشورهای صربنی نیز هراسناک است.

یکی از وجوه بارز و محسوس مبارزه ضد امپریالیسم، آنکه به خلق و اتحاد روپهای برای بل به خودکفایی اقتصادی است.

ولی تا رسیدن به این مرحله، سازهايمان را چگونه برآورده می‌کنیم، ضمن ناگند بر اصل قطع وابستگی‌های امپریالیسمی، می‌توان برای نامین این نیازها بطور مؤثر، از طریق کشورهای صربنی و ضد امپریالیست سازهای ضروری را برآورده نمود.

در این رابطه، اگر بی‌شمع غلبرغم جاز و جنجال تحریم اقتصادی ایران، امپریالیسم به اتحاد سیاست‌های به ظاهر دوگانه‌ای دست می‌زند و اروپای غربی را برای حفظ روابط گذشته وارد میدان می‌نماید، درک دقیق همین مفهوم است. چرا که اگر مبارزه سمت بوده‌ای و خلقی خود را بنیاد، قطع وابستگی‌های استعماری (اقتصادی و نظامی، ...) را به دنبال خواهد داشت و این چیزی نیست که جویند چپان‌خوازان امپریالیست بماند.

"جان گراهام" سفیر انگلستان در ایران ماهیان سیاست را بر ملا ساخته و می‌گوید:

"تحریم اقتصادی ایران" به مفهوم واقعی، امکان آسانی و مصالحه را بعد از تشکیل مجلس ایران منقذ می‌نماید (یعنی همان‌سندید خودت غربی - ضد امپریالیسمی که فوفا بدان اشاره شد) و باعث قطع وابستگی‌های ایران به غرب، از طریق ایجاد روابط اقتصادی با سایر کشورهای سود آری، ریک خطر برای امپریالیسم، وقتی به صدا در می‌آید، که حرکت خلقی، در جنبش نئی قراردادهای اسارت‌بار امپریالیسمی سمت کرد.

• خبرگزاری (پارس) ۳۰ اردیبهشت، برای خرید فروردین - معاونت‌های نفت، از کشورهای خارج از همکاران ایران، با جنگل‌واکی این‌لوک، دچار محدودیت اعتبار است.

• آژانس خبری (۷ اردیبهشت) -

• ایفلات اسلامی (۷ اردیبهشت) - موافقت‌نامه بخاری بین ایران و جمهوری دموکراتیک آلمان، اعتبار شد.

• آژانس خبری (۵ اردیبهشت) - طوق آمار وزارت خراب خارجی در ماه زانویه، جنگل‌واکی قراردادی برای خرید ۲۰۰۰۰۰ تن نفت با ایران، منعقد کرد که قرار است اسفال حولی داده شود.

• آژانس خبری (۷ اردیبهشت) - کسروهای اروپای صربنی آماده‌اند در صورت توشن اروپای غربی به انالان منجده. در مجارستان اقتصادی علیه ایران، با ارائه مواد عدالتی، دارو، کالاهای ساخته‌شده و بازاری برای نفت، به ایران کمک کند.

• ایفلات اسلامی (۸ اردیبهشت) - رئیس کل یک مرکزی ایران: کشورهای اروپای صربنی که از نظر

• خبرگزاری (پارس) ۱۴ اردیبهشت - یک هیات اقتصادی ایران، وارد بوگسلاوی شده تا قراردادهای را برای خرید مواد عدالتی با آن کشور، منعقد کند.

• خبرگزاری (پارس) ۱۴ اردیبهشت - وزیر امور خارجه، برای خرید مواد عدالتی با آن کشور، هم‌پیمانان

از روس خبری بخاهد:

در شهرستانها چه می‌گذرد...؟

تبریز: روز سه‌شنبه ۲/۲۳ ساعت ۶/۵ بعد از ظهر، یک دانشجو به هنگام بحث خیرنامه، در میدان ساعت تبریز با تلیک افراد مسلح به قتل می‌رسد. گنه می‌بود آنها قصد دستگیری این دانشجورا داشتند و چون او به است آنها بوجهی نمی‌کند، به طرفش شلیک می‌کند و با اصابت گلوله به عرض درجا کشته می‌شود. به دنبال این قتل، عدای برای لوپ‌کردن مسئله دست به حوازی می‌رند. حتی نابع می‌کنند این دانشجو قصد صرف بانک را داشتند. معول ۵۰۰۰۰۰ کیلتر نام داشته و دانشجوی سال اول مکانیک دانشگاه تبریز بوده است.

مشهد سلیمان: لشکرکرام ربر از سوی

تهران: دفتر رئیس جمهور ارسال شده است. آقای بی‌صدر شورای اسلامی تبریز به اطلاع می‌رساند که دو ماه است که حقوق کارگران و کارکنان که ۱۸۰۰۰ نفر هستند، پرداخت نشده است و به کلیه قراردادهای ما که با مقامات مسئول ستم‌نده، اصلا بوجهی نده است. و کارگران شرکت اصلا در مصعه هستند. و کنترل آنها سخت مشکل گردیده است. با توجه به آنکه دست‌هایی در کار است که کندی اقدامات اسلامی و فابوسی ما را بی‌اثر ساخته است. از شما می‌خواهیم که بحریان ما یون رانه وظایف خود بخواهید. و هندار می‌دهیم که عواقب و سبب‌های عدنی به عهده‌ی هتات مدروه

و محری طرح و دیگر مقامات مسئول است که در کارها موشه می‌کنند و باعث تحریک، درگیری و سح در این شرایط حساس می‌گردند.

شورای اسلامی تبریز یون

اصفهان:

از چند روز قبل، غلبرغم شهادت سبوس مضم رر حر دفاع از یک فرونده‌ی روزنامه مجاهد، یار دیگر عناصر معلوم - الحال تهدید و تصفات خود را علیه فروشندهگان این روزنامه افزایش داده‌اند. چند روز است حدود ۱۵ نفر از اوایش به کیوگک حصف واقع در سح راه حکم‌نظامی مراجعه و آن را به اعجاز کیوگک تهدید کرده‌اند، همچسن فرونده‌ی دیگری بر تهدید به آس رفتن عمارت‌های شده است.

کازرون:

روز ۲/۲۲ عدای از اوایش مسلح به خاقو و رحر حسی یکی از مهندسین به سردمداری حداداد مودی و مبررسی دو کارگاه را به عهده منصور بودنی به ۳ تن از فروشندهگان روزنامه مجاهد در مفرهای نوسهر، کارزون

حمله می‌کنند که بر اثر آن سه فرونده‌ی فوق نامهای سپهرام حبر، مسعود مختاری و رسول زرخواه از ناحیه‌ی کمربلای وسط‌خاقوو جماع مبروح و مصروبی می‌شوند.

اهواز:

در روز ۲/۲۲، حدود ۳۴ نفر از کارکنان شرکت ساختمانی ماما، وابسته به مفر آنها مهندس و بنده کارگر و کارمند هستند. این شرکت اخراج شده‌اند. در بخش‌های که از طرف رئیس مجمع فولاد اسرار یافته، علت اسکار عدم احتیاج ذکر شده است. اخراج شده‌گان که افرادی مارر هستند طی‌نامه‌ی به دادگاه اخلاط اسلامی نوشته‌اند. در زمانی که یاددهی سرورها برای تولید مسر سح شود و در زمانی که به کار ما در مصف‌های مختلف شرکت احتیاج است و مهندسینی یکی از مهندسین مبررسی دو کارگاه را به عهده داشته‌اند، هدف از این اخراج حسباً آنها در بیان حواسر از سبکی بوضع‌ان شده‌اند

درد دل‌ها و صحبت‌های خودمانی

درد دل یک روستائی سیل‌زده در ربر چند

دست‌های مرا نگاه کنید!! دروغ نمی‌گویم. تمام عمرم را رحمت کشیده‌ام عند بورور. روستای ما را سیل برد، من ماندم و چهار جفام و درندری و آوارگی. چون بپر شده‌ام مرا به کاری نمی‌برند، و گریه روزی ۸۰ تومان برد دارم، تنها یک تنو دانستم که آن را هم فروختم. باز هم گرسفام سما گویند چطور کسلمان را سر کسوم؟؟

حرف دلم را به شما می‌رم چون به درد من می‌رسند، روم به کسبه در مشهد بفر آفای. گمشده حصلی کارها از دستن بر می‌آند برای مستضعفین.

اما بی‌فایده بود، اصلا به حرف‌های ما گوش نمی‌کرد، اسنها ما را حرو آدم نمی‌دانند. ما را فقط حرقا نظر اهر-اا باسد. توب و نایک باسد، لازم دارند - موقع اغلاب ما عدم و کلوله‌های ررم - ما اغلاب کردیم به آمدن آنکه بعد از اغلاب وضعمان خوب شود - ننگار باسم، گرسنه باسم. ما را هم جز آدم‌ها حساب کسدولی حالا که اغلاب سرور شده هیچکس به سراغ ما نمی‌آند و به گرفتاری‌ها اسفل رسدگی نمی‌کنند.

مگر شما حواسها



• آژانس خبری (۲۴ اردیبهشت) - "جان گراهام" سفیر انگلستان در ایران، بوجه تهدید خود را به این تکیه معطوف کرده که اگر اروپا با تشکیل مجلس جدید ایران، تحریم را برقرار کرده باشد اجناس-صند غربی در ایران اوج تازه‌ای خواهد یافت و لذا هر نوع آسبی با ایران دشوارتر از امروز خواهد بود.

مجارستان، در زمینه‌ی صنایع شروشمی، این کشور آماده است، در مورد انجام پروژه‌ی شروشمی خدر امام و راه - اندازی با مرحله‌ی بهره‌برداری ری (که قرار بود مئلا توسط راسی‌ها کسفل گردد) همف کوبه کمک‌های لازم را در احتیاج ایران قرار دهند.

• (۱۴ اردیبهشت) عسفر درباری پیروزی شروشمی گفت: با آمادگی که مجارستان، برای انجام این پروژه اعلام کرده است، جناحه مسئولین راسی، به مهادت خود عمل‌کنند، دولت ایران، مصمم سبانی را اتحاد خواهد کرد.

• آژانس خبری (۲۴ اردیبهشت) - "منظر سیناسوری" دیلیات ایرانی، هم‌آهنگ کسده‌ی خریدهای ایران در اروپا، گفته است که بسیاری از کشورهای اروپایی منجمله بازار مسرک به ایران اطمینان داده‌اند که تحریم اقتصادی علیه ایران را ناده خواهند گرفت.

• آژانس خبری (۲۴ اردیبهشت) - دولت راسی اعلام کرد، غلبرغم سح - گیری‌های فزاینده‌ی ایران، پروژه‌ی مشترک شروشمی ایران و راسی همچنان حالت بی‌کند.

• بوناپندیرس (۲۳ اردیبهشت) - وزیر خارجه‌ی آمریکا گفت: هم‌پیمانان

از علاقمندان تقاضای شود که کمک‌های مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره "۱۳۰۰۰ بانک صادرات" نمبوی ۲۵۹ درپنج شمیران واربر نمایند، و حواله‌ی آن را به صندوق پستی "تهران ۱۶ - شماره ۶۴/۱۵۵۱" ارسال دارند.

روزنامه "مجاهد" نشریه مجاهدین خلق ایران سال اول آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵۱